

# نشان‌داری آغازگر در زبان‌های فارسی و انگلیسی براساس رویکرد دستور نقش‌گرای نظام‌مند

فروغ کاظمی<sup>۱\*</sup>، آریتا افراشی<sup>۲</sup>

۱. دانش‌آموخته دکتري تخصصی زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
۲. استادیار گروه زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۷/۲

دریافت: ۹۱/۴/۱۲

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مقابله‌ای نشان‌داری آغازگر در متون پزشکی فارسی و انگلیسی به نگارش درآمده است. این مقاله برآن است تا وجوه افتراق و اشتراک زبان فارسی و انگلیسی را از نظر نشان‌داری آغازگر مشخص کند. پژوهش برپایه دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی انجام شده و فقط فرانش متنی در آن مورد نظر است. برای انجام آن، کتاب‌ها و مقاله‌هایی از متون پزشکی انتخاب شده که پیکره‌ای شامل هزار بند از متون نوشتاری فارسی و انگلیسی را تشکیل داده است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد در متون پزشکی فارسی، افزوده‌های حاشیه‌ای با بسامد وقوع بالا در جایگاه آغازگر قرار می‌گیرند. این بسامد وقوع بالا می‌تواند بیانگر این نکته باشد که وقوع افزوده‌های حاشیه‌ای در جایگاه مورد نظر در زبان فارسی نشان‌دار به‌شمار نمی‌آید. به‌نظر می‌رسد زبان فارسی در متون پزشکی از آرایش سازه‌ای متفاوتی در مقایسه با زبان انگلیسی برخوردار است و برخلاف زبان انگلیسی، در مقوله نشان‌داری کاملاً از نظریه هلیدی پیروی نمی‌کند. همچنین، این مقاله نشان می‌دهد ویژگی‌های ضمیراندازی و نداشتن آرایش واژگانی ثابت، از نظر نشان‌داری، فارسی را از انگلیسی متمایز می‌کند. نشان‌داری آغازگر در فارسی و انگلیسی علاوه بر تفاوت‌های زبانی، متأثر از عوامل دیگری از قبیل سبک متن (قلم خاص نویسنده)، فرم نوشتار (کتاب، مقاله و غیره)، ارتباط بین بند و متن، تأکید، تقابل و ژانر متن است. از آنجایی که عوامل یادشده در فارسی و انگلیسی بر نشان‌داری آغازگر مؤثرند، می‌توان آن‌ها را وجوه اشتراک این دو زبان در این حیطة دانست؛ درحالی که تفاوت‌های زبانی (ساختار فارسی و انگلیسی) به وجوه افتراق در نشان‌داری آن‌ها اشاره دارد.

**واژه‌های کلیدی:** آغازگر زبان انگلیسی، آغازگر زبان فارسی، آغازگر نشان‌دار، رویکرد نظام‌مند، وجوه اشتراک و افتراق.

## ۱. مقدمه

پژوهش حاضر به بررسی مقوله نشان‌داری<sup>۱</sup> آغازگر<sup>۲</sup> براساس رویکرد نظام‌مند (دستور نقش‌گرای نظام‌مند<sup>۳</sup>) می‌پردازد. در این مقاله، بررسی تطبیقی موضوع در دو زبان فارسی و انگلیسی صورت می‌گیرد تا مشخص شود هریک از این دو زبان، نشان‌داری آغازگر را چگونه تبیین می‌کنند و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها درباب نشان‌داری چیست. فرض اصلی پژوهش این است که ویژگی‌های ضمیراندازی و آرایش واژگانی آزاد زبان فارسی موجب می‌شود تا به‌لحاظ نشان‌داری، آغازگرهای متون پزشکی فارسی شرایطی متفاوت با متون پزشکی انگلیسی داشته باشند.

اهمیت پژوهش حاضر علاوه‌بر پرداختن به مفهوم نشان‌داری آغازگر برپایه یکی از مهم‌ترین رویکردهای نقش‌گرایی، در این است که این جستار را در دو زبان فارسی و انگلیسی انجام می‌دهد و آن‌ها را از نظر نشان‌داری آغازگر محک می‌زند و قیاس می‌کند. مسئله پژوهش به این صورت تبیین می‌شود که با استناد به یافته‌های دستور نقش‌گرای نظام‌مند، صورت و نقش چگونه در متون پزشکی به هم پیوند می‌خورند و به‌طور خاص در متون علمی دو زبان فارسی و انگلیسی، آغازگر و پایان‌بخش چگونه به‌کار می‌روند. مشکلات موجود در ترجمه از انگلیسی به فارسی و برعکس و آموزش زبان‌های فارسی و انگلیسی ناشی از کاربرد نابجای آغازگر و به‌ویژه نشان‌داری آن است. خواندن متن، روانی و قابلیت درک آن با کاربرد مناسب آغازگر و جایگاه آن مرتبط است. به‌نظر می‌آید دلیل عدم پذیرش برخی مقاله‌ها باوجود محتوای علمی مطلوب ناشی از شیوه نگارش و چارچوب ساختاری آن‌ها در هریک از این دو زبان است. بنابراین اگر آغازگر و نشان‌داری آن بررسی شود می‌تواند به برطرف کردن مشکلات و مسائلی از این‌دست کمک کند. چنین مطالعه‌ای می‌تواند به‌لحاظ مخاطب نیز برای طیف وسیعی از افراد سودمند باشد. این‌گونه تحلیل‌ها در متون و مقاله‌های علمی (در اینجا در متون پزشکی فارسی و انگلیسی) در ارتقای کیفیت متون از بُعد آموزشی و همچنین شیوه‌های گسترش متن مؤثر است.

## ۲. پیشینه پژوهش

حسن<sup>۴</sup> (1989) از دیدگاه نقش‌گرایی به تحلیل متن پرداخته است. او معتقد است تحلیل متن از دیدگاه نقش‌گرایی می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش کمک کند؛ زیرا به‌وسیله آن مدرسان

می‌توانند اطلاعات بیشتری در مورد زبان مورد نظر داشته باشند و بهتر آموزش دهند. زبان‌آموزان نیز می‌توانند درک بهتری از مقوله زبان داشته باشند و در مورد محتوای مطالب درسی اطلاعات بیشتری به دست آورند. فرایز<sup>۵</sup> (1981) بر اهمیت آغازگر بند در پیشرفت و گسترش کل متن تأکید می‌کند. به‌باور او (1995b)، الگوهای انتخاب آغازگر در متن با سبک در ارتباط است. این الگوها در متن تصادفی نیستند؛ بلکه تابع سبک متن هستند. برای مثال، داستان‌ها فقط روایت وقایع نیستند؛ بلکه ارزیابی نویسنده از حوادث را هم نشان می‌دهند و اتفاق‌های دیگری را که ممکن بود رخ بدهد، برای ما روشن می‌کنند. این نوع تغییرات مربوط به اهداف متن در آغازگر انعکاس یافته است.

قادیسی<sup>۶</sup> (1995) معتقد است انتخاب آغازگر بند در سازمان‌دهی کلام نقشی اساسی ایفا می‌کند و همین انتخاب آغازگر است که روش گسترش متن را پدید می‌آورد. او نظر فرایز را مبنی بر وجود هم‌بستگی بین مبتدا و ساختار متن (سبک) تأیید کرده است. ام. بلور<sup>۷</sup> و تی. بلور<sup>۸</sup> (1995) به بررسی و مقایسه نظام آغازگری- پایان‌بخشی<sup>۹</sup> و ساخت اطلاع<sup>۱۰</sup> در چارچوب نظریه هلیدی پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند فاعل وجه خبری، فاعل و عامل زمان‌داری در وجه پرسشی، محمول وجه امری و عنصر استفهامی در وجه عاطفی، مبتدای بی‌نشان است.

لاک<sup>۱۱</sup> (1996) نشان‌داری آغازگر را از دیدگاه دستور نظام‌مند هلیدی بررسی کرده و به مقایسه زبان‌های ایتالیایی و ژاپنی با زبان انگلیسی پرداخته است. او با آوردن مثال‌هایی از زبان ایتالیایی نشان می‌دهد در گونه گفتاری، بسامد وقوع مفعول در جایگاه آغازین جمله بیشتر است؛ در صورتی که در گونه نوشتاری زبان ایتالیایی، ترتیب آرایش سازه‌ای بی‌نشان به صورت حضور فاعل در جایگاه آغازین و مفعول در جایگاه پایانی بند است و وجود مفعول در ابتدای جمله باعث به وجود آمدن آغازگر نشان‌دار می‌شود. اما مفعول پیش‌اینده در زبان انگلیسی در مقایسه با مفعول پیش‌اینده در زبان ایتالیایی از نشان‌داری نسبی بیشتری برخوردار است. لاک می‌گوید در بندهای دارای آغازگر نشان‌دار نوعی فرایند مبتداسازی اتفاق افتاده است و برای فهم دلایل مبتداسازی باید رابطه بند و متن را بررسی کرد. وجود سازه‌هایی مثل مفعول و متمم در جایگاه آغازگر کاملاً نشان‌دار است.

مارتینز لیرولا<sup>۱۲</sup> (2007) در بررسی ساختارهای شبه‌اسنادی و معکوس<sup>۱۳</sup> نشان می‌دهد در آن‌ها سازه‌های جمله به ترتیب SVO قرار گرفته‌اند که در آن یک بند موصولی اسمی در جایگاه متمم فعل قرار می‌گیرد و به لحاظ آغازگری- پایان‌بخشی در این ساختار آغازگر بر

فاعل منطبق است و جمله بی‌نشان تلقی می‌شود.

وانگ<sup>۱۴</sup> (2007) در مقاله‌ای با عنوان «آغازگر و پایان‌بخش در ساختار موضوعی متن» به بررسی ارتباط بین آغازگر و پایان‌بخش و پیشرفت انسجام مطابق با رویکرد نظام‌مند پرداخته است. او نشان می‌دهد با تجزیه و تحلیل آغازگر و پایان‌بخش در متن، دانشجویان می‌آموزند این تحلیل‌ها را در نوشتار خود انجام دهند و انسجام را عملاً در نوشته‌هایشان بهبود بخشند.

محمدی (1995) بر نوع آغازگر و اهمیت آن در ترجمه تأکید می‌کند و معتقد است تشخیص آغازگر نشان‌دار و بی‌نشان در ترجمه بسیار مهم است؛ زیرا آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار نقش‌های متفاوتی القا می‌کنند و دارای معنای متفاوتی نیز هستند.

شهیدی (۱۳۷۸) اشاره می‌کند هلیدی با رویکردی کلامی از مبتداسازی به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های ایجاد مبتدای نشان‌دار سخن گفته و معتقد است از آنجایی که در زبان انگلیسی تکواژ خاصی برای نشان دادن مبتدای جمله وجود ندارد، گویشوران این زبان از جایگاه آغازین جمله برای نشان دادن مبتدای پیام خود استفاده می‌کنند و در حالت بی‌نشان این جایگاه از آن نهاد جمله است.

خان جان (۱۳۷۹) در این باره پژوهش کرده که آیا معیار دوگانه تطبیق مبتدا/اطلاع کهنه و خبر/اطلاع نو می‌تواند مطابق آنچه که در چارچوب هلیدی مطرح است در تشخیص بندهای بی‌نشان از نشان‌دار اعتبار جهانی داشته باشد. او اشاره می‌کند چون در زبان فارسی فاعل می‌تواند حذف شود، پس معیار بسامد وقوع در تشخیص بندهای بی‌نشان توجیه‌پذیر نیست.

کاووسی‌نژاد (۱۳۸۱) نشان می‌دهد در تمایز صورت نشان‌دار و بی‌نشان مبتدا در جمله‌ها، به‌طور کلی ترتیب عناصر در جمله‌های خبری مبنا قرار می‌گیرد. چون در زبان فارسی نهاد اختیاری حذف می‌شود و نهاد اجباری در فعل دیده می‌شود، در جمله‌هایی که فقط از یک فعل تشکیل می‌شود، همان فعل مبتدای نشان‌دار است. به‌نظر کاووسی‌نژاد، مبتدای بی‌نشان در جمله‌های خبری فارسی نهاد است و چنانچه نهاد جمله به قرینه شناسه فعل با عناصر دیگری حذف شود یا به محل دیگری در جمله انتقال یابد، عنصر دیگری که در نظام گذرایی نقش دارد و در جایگاه مبتدا قرار گرفته، مبتدای نشان‌دار جمله یا بند است. نقدی که بر این اثر وارد است، این است که در زبان فارسی و به‌طور خاص در گونه گفتاری آن، جمله‌ها همواره می‌توانند بدون فاعل و یا نهاد عیان به‌کار روند. این امر به‌دلیل ویژگی ضمیرانداز<sup>۱۵</sup> بودن زبان فارسی است. در این صورت، آیا باید همه آن‌ها نشان‌دار تلقی

شوند؟ در این مورد باید ابتدا عناصر محذوف را در نظر گرفت و جایگزین کرد و سپس به شناسایی و تعیین آغازگر پرداخت. در این صورت، آغازگر چنین بندهایی نیز همان فاعل محذوف است و بند دارای آغازگر بی‌نشان است و نه نشان‌دار.

غفاری‌مهر (۱۳۸۳) از دیدگاه نقشگرایی هلیدی به تحلیل ساخت مبتدا- خبری *کتاب‌های آرفا و فارسی بیاموزیم*، دو مجموعه از کتاب‌های آموزش زبان فارسی، پرداخته و نشان داده است در *فارسی بیاموزیم* مبتداهای نشان‌دار ۳۳/۵ درصد و در *آرفا* ۲۷ درصد کل بندهای خبری را تشکیل می‌دهد و استفاده از مبتداهای نشان‌دار نشان‌دهنده نزدیک بودن متن‌ها به گونه گفتاری است. نقدی که به این پژوهش وارد است، این است که چگونه و بر چه اساسی می‌توان گفت در گونه گفتاری مبتداهای نشان‌دار بیشتری به کار می‌رود؛ زیرا او در این پژوهش به بررسی گونه گفتاری نپرداخته و حتی به آثار دیگری هم استناد نکرده است.

شریف‌زاده (۱۳۸۴) دو مجموعه *New Interchange 3* و *زبان انگلیسی دوره پیش‌دانشگاهی* را از دیدگاه دستور نقشگرایی نظام‌مند هلیدی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که از لحاظ مبتدای بی‌نشان و نشان‌دار تقریباً می‌توان گفت بین دو مجموعه تفاوت معناداری وجود ندارد. مجموع مبتداهای نشان‌دار در *New Interchange 3* ۹/۶ درصد است که این میزان در *زبان انگلیسی دوره پیش‌دانشگاهی* به ۹/۸۴ درصد می‌رسد. شاهرخی شهرکی (۱۳۸۵) شعر کودک را از دیدگاه نقشگرایی هلیدی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که مبتدای اکثر جمله‌ها، نشان‌دار است. درباره استنباط او باید گفت این نتیجه منطقی به نظر می‌آید؛ زیرا در شعر ترتیب سازه‌ها (فاعل و فعل و غیره) آزادتر از گفتار معمولی است و بالا بودن میزان آغازگرهای نشان‌دار با توجه به ترتیب سازه‌ها مطابق نظریه هلیدی در پژوهش او محتمل است.

فهمینیا (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود به توصیف و تحلیل نقش‌گرایانه آغازگر از منظر رویکرد هلیدی پرداخته و کتاب‌های فارسی دانش‌آموزان دبستان را بررسی کرده است. براساس یافته‌های او، تقسیمات موجود در دستور نظام‌مند هلیدی بر زبان فارسی قابل انطباق است. دستجردی کاظمی (۱۳۸۸) در رساله دکتری خود به بررسی گفتار کودکان پرداخته و گفته است که میزان بروز آغازگرهای تجربی نشان‌دار در گونه گفتاری زبان فارسی در کودکان ۱۸ درصد است و آغازگر بی‌نشان ۸۲ درصد.

علائی (۱۳۸۸) پیوستاری را (از بی‌نشان‌تر تا نشان‌دارتر) برای آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار با توجه به جایگاه فاعل چنین معرفی کرده است: بی‌نشان‌تر: فاعل محذوف قبل از

مفعول؛ بی‌نشان؛ فاعل آشکار قبل از مفعول؛ نشان‌دار؛ فاعل بعد از مفعول؛ نشان‌دارتر؛ فاعل پس از فعل. این تقسیم‌بندی فاعل فقط با تکیه بر مفعول انجام شده است؛ درحالی که واضح است همهٔ جمله‌های فارسی الزاماً دارای مفعول نیستند و حتی خارج از بحث جمله‌های دارای فعل گذرا و ناگذر، جمله‌های اسنادی هم در فارسی وجود دارند و هر سه آن‌ها جمله‌های هسته‌ای فارسی به‌شمار می‌آیند. پس فاعل این جمله‌ها چه می‌شود؟

گومز<sup>۱۶</sup> (1994)، موزن (۱۳۷۶)، غیاثیان (۱۳۷۹)، نوقدار مقدم (۱۳۸۱)، میراحمدی (۱۳۸۳)، تبریزمنش (۱۳۸۵)، صافی (۱۳۷۹)، رضاخانی (۱۳۸۵)، پهلوان‌نژاد (۱۳۸۳)، راعی دهقی (۱۳۸۰)، هادی (۱۳۸۴) و افتخاری (۱۳۸۶) از آثار دیگری هستند که در چارچوب رویکرد نظام‌مند نوشته شده‌اند. در پژوهش‌های پیشین، بررسی نشان‌داری آغازگر بیشتر در کتاب‌های فارسی ابتدایی و دبیرستان و یا در حوزهٔ آموزش زبان فارسی انجام شده و نتایج به‌دست‌آمده از جمله فهم‌نیا (۱۳۸۷) و دستجردی کاظمی (۱۳۸۸) هرچند ارزنده‌اند، به دوره‌های تحصیلی یادشده محدود هستند. در این دو اثر و نیز شهرکی (۱۳۸۵) و شریف‌زاده (۱۳۸۴) پژوهش‌ها فقط جنبهٔ آماری دارند. با توجه به اهمیت کتاب‌های دانشگاهی به‌لحاظ انتقال مفاهیم و تأثیر آن‌ها در ارتقای علمی، مقالهٔ حاضر برآن است تا تعدادی از کتاب‌ها و مقاله‌های پزشکی را بررسی کند؛ زیرا وقتی با متون رشته‌های مختلف دانشگاهی روبه‌رو می‌شویم، وضعیت نشان‌داری آغازگر را اندکی متفاوت می‌بینیم و بجاست که در آن‌ها بیشتر تأمل کنیم.

### ۳. روش‌شناسی

#### ۳-۱. گردآوری داده‌ها

داده‌های این پژوهش از دو زبان فارسی و انگلیسی گردآوری شده و پیکرهٔ آن متشکل از کتاب‌ها و مقاله‌های علمی-تخصصی در حوزهٔ پزشکی است. برای بخش فارسی یک کتاب و چهار مقاله و برای بخش انگلیسی هم یک کتاب و سه مقاله در نظر گرفته شد. بنابراین، پیکره شامل دو کتاب و هفت مقاله است. ملاک انتخاب این کتاب‌ها تألیف است نه ترجمه. در مقالهٔ پیش‌رو از بین دو گونهٔ گفتاری و نوشتاری، گونهٔ نوشتاری مورد نظر قرار گرفته است. حوزه و محدودهٔ پژوهش هم چارچوب نظریهٔ نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی است و فقط فرانش متنی مورد بررسی است.

#### ۳-۲. روش پژوهش

این پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و به‌روش توصیفی-تحلیلی<sup>۱۷</sup> انجام شده است. واحد

بررسی در این پژوهش در چارچوب دستور نظام‌مند هلیدی و متیسن<sup>۱۸</sup> (2004)، «بند<sup>۱۹</sup>» است. از این‌رو، هزار بند از متون پزشکی (۲۵۰ بند از کتاب و ۲۵۰ بند از مقاله‌های فارسی و نیز ۲۵۰ بند از کتاب و ۲۵۰ بند از مقاله‌های انگلیسی) تفکیک شد. در هر بند آغازگر و پایان‌بخش شناسایی و جدا شدند. سپس طبقه‌بندی بی‌نشان/ نشان‌دار صورت گرفت و توزیع فراوانی هریک به‌دست آمد و سرانجام بررسی مقابله‌ای در دو زبان مورد مطالعه انجام شد.

## ۴. چارچوب نظری

### ۴-۱. معرفی رویکرد نظام‌مند

این رویکرد یکی از مهم‌ترین گونه‌های نقشگرایی است که واضع اصلی آن ام. ای. کی. هلیدی است. این نظریه نقشگرا را دستور نظام‌مند یا نظام‌بنیاد می‌نامند. رویکرد نظام‌مند در مقایسه با رویکردهای نقشگرایی گیون<sup>۲۰</sup> (1979، 1984، 1990 و 1995)، دیک<sup>۲۱</sup> (1978 و 1980)، کونو<sup>۲۲</sup> (1987)، هاپر<sup>۲۳</sup> (1987، 1988 و 1991) و غیره بسیار قوام‌یافته‌تر است. رویکردهای نقشگرایی نام‌برده هیچ‌یک شکل نظریه ندارند؛ بلکه فقط رویکرد<sup>۲۴</sup> اند. اما رویکرد هلیدی سازمان‌یافته است و یک نظریه تمام‌عیار زبانی به‌شمار می‌آید. در این نظریه اعتقاد بر این است که دستور فقط شامل مجموعه‌ای از ساختارها نیست؛ بلکه دارای شبکه نظام‌مند است. در دستور نظام‌مند، بحث انتخاب مطرح است؛ چون گوینده برای بیان معنای موردنظرش در هر موقعیت، انتخاب خاصی را انجام می‌دهد. بنابراین در این نظریه، زبان منبعی است برای ساختن معنا از طریق انتخاب. به عبارت دیگر، اهل زبان در هر لحظه از میان گزینه‌های موجود یکی را انتخاب می‌کنند و کلام را به پیش می‌برند. چارچوب یادشده در برخورد با صوت‌های مختلف زبانی به ابزارها و سازکارهای نظری، و قالب‌های توصیفی معنابنیاد و نقش‌محور مجهز است. در این رویکرد، اغلب تحلیل‌ها درجهت تبیین شیوه انتقال معناست. اهل زبان برای تبادل معنا با یکدیگر تعامل دارند و زبان را در موارد متفاوت برای بیان تجربیات، ایجاد ارتباط و انجام تعاملات به‌کار می‌برند. براساس این چارچوب، دستور باید با آنچه خارج از زبان رخ می‌دهد- یعنی با حوادث و شرایط جهان و جریان‌های اجتماعی که درگیر آن‌ها هستیم- در ارتباط باشد. این موضوع به‌طور مستقیم به بحث انواع فرانش که از مهم‌ترین واژه‌های کلیدی در دستور نقشگرایی نظام‌مند است، مربوط می‌شود. عناصر درون هر فرانش نقش خاصی را ایفا می‌کنند تا به‌کمک نقش سایر عناصر بتواند معنای بند را به‌عنوان یک کل از منظر فرانش مربوط به خود به‌دست دهد. فرانش



متنی<sup>۲۵</sup> یکی از فرانتش‌های مطرح در این رویکرد است که با ایجاد انسجام و پیوستگی جریان سخن را سازمان‌دهی و کمک می‌کند تا هم توالی‌های درستی در بندها داشته باشیم و هم انسجام و سازمان‌بندی کلام را حفظ کنیم. این فرانتش یکی از لایه‌های معنایی است که دارای دو نقش آغازگر و پایان‌بخش است. این دو با هم ساخت آغازگری- پایان‌بخشی را به‌وجود می‌آورند. بخشی از بند به‌عنوان آغازگر با بخش دیگر ترکیب می‌شود تا با همدیگر پیام را بسازند. آغازگر نقطهٔ عزیمت پیام است و باقی‌مانده، یعنی بخشی که آغازگر در آن بسط و گسترش می‌یابد، پایان‌بخش<sup>۲۶</sup> نام دارد (Halliday & Matthiessen, 2004: 64).

آغازگر اولین سازهٔ بند است که در ساخت تجربی آن نقش دارد. اگر آغازگر تجربی باشد، آغازگر اصلی محسوب می‌شود. این در صورتی است که مشارک یا افزودهٔ حاشیه‌ای و یا فرایند باشد (Ibid: 69). در ادامه جدول‌هایی آمده است که آغازگر و پایان‌بخش را در متون پزشکی در فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد:

جدول ۱ آغازگر و پایان‌بخش در متون پزشکی فارسی

کناره‌ها یا لبه‌های حفرهٔ گلوئوئید	توسط یک حلقه غضروف فیبری به‌نام لبه گلوئوئید پوشیده می‌شود.
این شیار	مسیر عصب رادیال و شریان عمقی بازو را مشخص می‌کند.
بریدگی اسکاپولار بزرگ	حفرات سوپرا اسپیناتوس و اینفر اسپیناتوس را به یکدیگر مرتبط می‌کند.
آغازگر	پایان‌بخش

جدول ۲ آغازگر و پایان‌بخش در متون پزشکی انگلیسی

<b>The patient</b>	was administered subcutaneously with 3000000 Iu of interferon alpha every day.
<b>Chronic essential hypertension</b>	is still the most common and major risk factor for developing cardiovascular disease.
<b>However, there</b>	were significant differences between the two groups in resting HR, resting systolic BP, systolic BP peak, HR peak and exercise capacity.
<b>BP at rest</b>	was measured three times with one- minute pause in between.
آغازگر	پایان‌بخش

## ۲-۴. نشان‌داری در رویکرد نظام‌مند

اصطلاح بی‌نشان به‌معنای رایج است و برعکس، اصطلاح نشان‌دار به‌معنای غیرمرسوم به‌کار می‌رود. یکی از نکات مهم در تعریف نشان‌داری، کم‌بسامد بودن و کم‌کاربرد بودن عناصر زبانی



است. بسته به اینکه در هر وجهی چه ترتیبی از عناصر بیشترین رخداد و بی‌نشان‌ترین حالت را در جایگاه آغازگر دارد، می‌توان آن را به دو نوع بی‌نشان و نشان‌دار تقسیم کرد. در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، مقوله نشان‌داری در هر ساخت به‌طور مستقل تعیین می‌شود؛ یعنی آغازگر بی‌نشان در خبری‌ها، پرسشی‌ها و غیره در وجه خاص خود مشخص می‌شود. مطابق رویکرد هلیدی آغازگرهای تجربی بی‌نشان در انواع بندهای زبان انگلیسی به شرح زیر است:

جدول ۳ انواع وجه و آغازگرهای بی‌نشان

آغازگر تجربی بی‌نشان	وجه بند
گروه‌های اسمی در نقش فاعل	خبری
عامل زمان‌داری به‌علاوه فاعل	پرسشی بله / خیری
سازه حاوی پرسش‌واژه	پرسشی پرسش‌واژه‌ای
<ul style="list-style-type: none"> <li>• فعل به‌تنهایی و در حالت نفی به‌همراه don't</li> <li>• Let's به‌تنهایی و در حالت نفی به‌همراه don't</li> </ul>	امری
گروه اسمی یا قیدی در نقش عناصر تعجبی	تعجبی

اگر عنصری غیر از آنچه در جدول بالاست در ابتدای بند بیاید، در آن بند چنین سازه‌ای آغازگر نشان‌دار خواهد بود (Ibid: 78).

### ۳-۴. نشان‌داری آغازگر در بندهای خبری

در بندهای خبری الگوی رایج به‌گونه‌ای است که آغازگر با فاعل هم‌پوشانی و انطباق کامل داشته باشد. در این حالت که آغازگر بند فاعل دستوری است، با آغازگر بی‌نشان<sup>۲۷</sup> روبه‌رو هستیم. در بندهای خبری اگر آغازگر عنصری غیر از فاعل باشد، آن آغازگر نشان‌دار<sup>۲۸</sup> تلقی می‌شود. معمول‌ترین نوع آغازگر نشان‌دار، گروه‌های قیدی مثل suddenly, today و غیره و یا عبارت حرف اضافه‌ای مثل at night, in the corner و غیره هستند که افزوده نامیده می‌شوند. نشان‌دارترین نوع آغازگر در بندهای خبری متمم است. برای مثال، "this responsibility" در (Halliday & Matthiessen, 2004: 73). مطابق آنچه در بالا گفته شد، در بندهای خبری هرگاه آغازگر با فاعل بند مطابق باشد، آن آغازگر را بی‌نشان می‌نامیم؛ در غیر این صورت آغازگر نشان‌دار خواهد بود.

**۴-۴. نشان‌داری آغازگر در بندهای تعجبی**

بندهای تعجبی یا عاطفی دراصل زیرشاخه‌ای از بندهای خبری‌اند. این بندها دارای ساخت آغازگری- پایان‌بخشی خاصی هستند. در وجه تعجبی، آغازگر یک عنصر استفهامی تعجبی است (Ibid: 74)؛ مثال:

جدول ۴ آغازگر در بند تعجبی (مشارک)

What a self-opinionated egomaniac	that guy is
آغازگر بی‌نشان: شرکت‌کننده/ مشارک	پایان‌بخش

**۴-۵. نشان‌داری آغازگر در بندهای پرسشی**

نقش اساسی بندهای پرسشی، پرسیدن سؤال است و طرح پرسش حاکی از آن است که پرسشگر درصدد یافتن پاسخی است. بندهای پرسشی دارای دو دسته اصلی‌اند: بند پرسشی قطبی و بند پرسشی استفهامی.

**۴-۵-۱. نشان‌داری آغازگر در بندهای پرسشی قطبی**

در بندهای پرسشی قطبی، مثبت یا منفی بودن، بله یا خیر بودن و دراصل قطبیت پیام مورد سؤال است. در این بندها، آغازگر عنصری است که عامل خودایستا<sup>۲۹</sup> نام دارد. در زبان انگلیسی، عامل زمان‌داری مثبت یا منفی بودن را نشان می‌دهد؛ به‌صورت *can't*, *can*, *don't*, *do*, *isn't*, *is* و غیره. بنابراین، در وجه‌های پرسشی بی‌نشان عامل زمان‌داری در بند قبل از فاعل ظاهر می‌شود:

جدول ۵ آغازگر در بند پرسشی قطبی (بله/ خیری)

Are	they	still together?
آغازگر ۱	آغازگر ۲	پایان‌بخش

**۴-۵-۲. نشان‌داری آغازگر در بندهای پرسشی استفهامی**

کاربرد بندهای استفهامی گرفتن اطلاعات یا شناختن مفهومی برای گوینده است. در این بندها، آغازگر همان عنصری است که اطلاعات را می‌جوید و پرسش‌واژه نامیده می‌شود. در این بندها، کلمات پرسشی

اغلب مانند what، how، who و when دیده می‌شوند. اگر پرسش‌واژه نقش فاعلی داشته باشد - چه افزوده باشد و چه متمم - در ابتدای بند قرار می‌گیرد. در ساخت‌های پرسش‌واژه‌های هرگاه پرسش‌واژه بخشی از آغازگر باشد، آن آغازگر بی‌نشان است و در غیر این صورت، نشان‌دار (Ibid: 75).

جدول ۶ آغازگر در بندهای پرسشی (با عناصر پرسش‌واژه‌ای)

Who	wants a glass of cold water?
-----	------------------------------

در هر دو نوع بند پرسشی در زبان انگلیسی، انتخاب آغازگر بی‌نشان الگوی رایج است؛ زیرا این الگو ابزار بیان پیام اصلی در بند است. بنابراین، گرایش غالب در به‌کار بردن صورت بی‌نشان است. اما گاهی صورت نشان‌دار هم به‌کار می‌رود که در مثال‌های زیر آمده است:

جدول ۷ آغازگر نشان‌دار در بند پرسشی قطبی (بله/خیری)

On the right	is it?
آغازگر نشان‌دار	پایان‌بخش

جدول ۸ آغازگر نشان‌دار در بند پرسشی استفهامی

Now, about The Love Song of Alfred J. Prufrock,	what is that poem about?
آغازگر نشان‌دار	پایان‌بخش

۳-۵-۴. نشان‌داری آغازگر در بندهای امری

پیام اصلی در بندهای امری به‌گونه‌ای است که یا از مخاطب می‌خواهیم کاری را انجام دهد، یا از مخاطب و خودمان (هر دو) می‌خواهیم کاری انجام شود؛ یعنی از "let's" استفاده می‌شود و در این حالت، "let's" آغازگر بی‌نشان است. اما در نوع اول با اینکه ضمیر you نقش آغازگر را دارد (برای مثال در بند !you keep quiet)، ساختی نشان‌دار به‌وجود می‌آید. الگوی رایج به‌صورت keep quiet! است و در آن فعل، نقش آغازگر بی‌نشان را ایفا می‌کند. هلیدی اشاره می‌کند که امری‌ها فقط بندهایی‌اند که فعل در آن‌ها نقش آغازگر را دارد (Ibid: 76). نمونه‌های زیر آغازگر در بندهای امری را نشان می‌دهند:



## جدول ۹ آغازگر بی‌نشان در بند امری

Don't do	That
آغازگر بی‌نشان	پایان‌بخش

## جدول ۱۰ آغازگر نشان‌دار در بند امری

You	take the office.
آغازگر نشان‌دار	پایان‌بخش

## ۵. تحلیل داده‌ها (متون پزشکی) در فارسی و انگلیسی

در این قسمت ابتدا جدول‌هایی آمده که شامل بندهایی از متون پزشکی در فارسی و انگلیسی است. این جدول‌ها نمونه‌هایی از آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار را در این دو زبان نشان می‌دهد. پس از آن، جدول‌هایی می‌آید که مربوط به توزیع فراوانی و بسامد وقوع آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار است. در جدول‌ها مرز بین آغازگر و پایان‌بخش با نماد # مشخص شده است.

## جدول ۱۱ آغازگرهای بی‌نشان در متون پزشکی فارسی

نقش	طبقه	بند
آغازگر بی‌نشان	گروه اسمی: اسم خاص یا عام	بیماری‌های قلبی و عروقی # علت اصلی مرگ‌ومیر در سراسر دنیاست.
		فعالیت‌های فیزیولوژیک بدن مانند تنفس، گوارش و دفع # به وسیله دستگاه‌های مختلفی انجام می‌گیرد.
		ترقوه یا کلویکل # استخوانی دراز و خمیده است که بخش قدامی کمر بند شانه را می‌سازد.
		آلپورنیول # با کاهش سطح اسید اوریک سرم باعث کاهش تغییرات هیستولوژیک و بهبود عملکرد کلیه شده است.
		هومروس # دارای یک تنه و دو انتهای برجسته پروکسیمال و دیستال است.
		انتهای دیستال یا اکرومیال یک سوم خارجی کلویکل # با اکرومیون استخوان اسکاپولا مفصل می‌شود.
		مکانیسم دقیق تأثیرات متابولیک سلول‌های چربی هیپرتروفی شده # مشخص نشده است.
		وجود استعداد ژنتیکی و برخورد با استرس‌های محیطی # باعث خروج سیستم ایمنی بدن از تعادل و ساخت آنتی‌بادی‌ها و بروز تظاهرات بالینی می‌گردد.
		سطح فوقانی یک سوم خارجی کلویکل # تخت و ناهموار است.
لوپوس اریتماتوز سیستمیک (SLE) # یک بیماری با تظاهرات مختلف و درگیری اعضا مختلف بدن از جمله کلیه، سیستم عصبی مرکزی، عروق، مفاصل و پوست است.		

## جدول ۱۲ آغازگرهای بی‌نشان در متون پزشکی انگلیسی

بند	طبقه	نقش	آغازگر بی‌نشان
This # includes the vasculature, the nerves, the bones, the muscles.	گروه اسمی: ضمیر	فاعل	
We # can allow the baseline hazard to take a parametric form such as weibull , Gompertz, Exponential and lognormal etc.			
It # usually spreads to lungs, bone and lymph nodes.			
Veins # are more abundant than arteries.	گروه اسمی: اسم خاص یا عام		
Ultrasonography of the body # is widely used for all aspects of medicine.			
Muller- mattheis # described the case of a 47- year- old woman with RCC and an intraoral soft tissue metastatic lesion.			
Regional anatomy (topographical anatomy) # considers the organization of the human body as major parts or segments.			
CT scan # revealed a large lytic lesion in the maxilla along with a 25mm lymphadenopathy in left pulmonary hilar region.			
All the patients # were diagnosed by endoscopy and biopsies.			

## جدول ۱۳ آغازگرهای نشان‌دار در متون پزشکی فارسی (فاعل‌ها پررنگ شده است)

بند	طبقه	نقش	آغازگر نشان‌دار
بعدها # مطالعات زیادی در بیماران لوپوسی انجام شد.	گروه قیدی	افزوده	
با درمان‌های جدید # بروز نفروپاتی در بیماران کاهش یافته است.			
برای درک علل این شکست # تلاش‌های زیادی بر شناخت بیولوژی میلین‌سازی مجدد و فاکتورهای مولکولی و بین‌سلولی تنظیم‌کننده این فرایند متمرکز شده است.			
در بالای قسمت قدامی تروکله آ # فرورفتگی کوچکی به نام حفره کورونوئید دیده می‌شود.			
در طناب‌های عصبی جداشده از جنین‌های اولیه‌ای که در ژن NRG1 نقص داشتند # الیگودنروسیت‌های کمی رشد می‌کنند.			
برای این اندازه گیری # خون بیماران سانتزریفوژ شده و پس از حداکثر ۱۲ ساعت نگهداری سرم در C <sup>۰</sup> به ۲۰٪ آزمایشگاه فرستاده می‌شد.			
جهت بررسی رتینوپاتی دیابتی و اثبات نفروپاتی # مشاوره چشم‌پزشکی در تمام بیماران انجام شد.			
در بالای قسمت قدامی تروکله آ # فرورفتگی کوچکی به نام حفره کورونوئید دیده می‌شود.			
گروه کنترل را # تعداد ۴۰ زن سالم با تشابه سنی تشکیل می‌داد.	گروه اسمی: اسم خاص یا عام	متمم	



جدول ۱۴ آغازگرهای نشان‌دار در متون پزشکی انگلیسی (فاعل‌ها پررنگ شده است)

بند	طبقه	نقش	
Nowadays # <b>several studies</b> have indicated the positive effects of physical training in some of the physical, physiological, psychological parameters and quality of life of mi patients	گروه قیدی	افزوده	آغازگر نشان‌دار
Almost immediately after entering # <b>all the presynaptic sympathetic fibers</b> leave the anterior rami of these spinal nerves.			
During the last 30 years # <b>a major breakthrough</b> occurred in our thinking regarding the role of physical activity in patients with cardiovascular disease.			
For some patients # <b>it</b> is necessary to inject contrast agents directly into arteries or veins.	گروه حرف اضافه‌ای	افزوده	
In transverse sections of the spinal cord # <b>the gray matter</b> appears roughly as an H-shaped area embedded in a matrix of white matter.			
From clinical studied of lesions of the posterior roots or spinal nerves # <b>dermatome maps</b> have been devised to indicate the typical pattern of innervation of the skin by specific spinal nerves.			
In patients with blood pressure (BP) more than 180/100 mm Hg # <b>the risk of developing coronary heart disease</b> is about 5 folds higher than those with BP less than 120/80 mm Hg.			
For some years # <b>physical rehabilitation</b> is also undertaken in patients with MI regardless of its etiology.			

جدول ۱۵ توزیع فراوانی و درصد وقوع آغازگر نشان‌دار/ بی‌نشان در متون پزشکی فارسی و انگلیسی

نشان‌داری	فارسی		انگلیسی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
آغازگر نشان‌دار	۸۸	٪۱۷/۶	۵۴	٪۱۰/۸
آغازگر بی‌نشان	۴۱۲	٪۸۲/۴	۴۴۶	٪۸۹/۲
مجموع	۵۰۰	٪۱۰۰	۵۰۰	٪۱۰۰

جدول ۱۶ توزیع فراوانی و درصد وقوع آغازگر نشان‌دار/ بی‌نشان در متون پزشکی به تفکیک دو زبان فارسی و انگلیسی و نیز کتاب و مقاله

نشان‌داری	فارسی				انگلیسی			
	کتاب		مقاله		کتاب		مقاله	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
آغازگر نشان‌دار	۴۱	%۱۶/۴	۴۷	%۱۸/۸	۱۹	%۷/۶	۳۵	%۱۴
آغازگر بی‌نشان	۲۰۹	%۸۳/۶	۲۰۳	%۸۱/۲	۲۳۱	%۹۲/۴	۲۱۴	%۸۶
مجموع	۲۵۰	%۱۰۰	۲۵۰	%۱۰۰	۲۵۰	%۱۰۰	۲۵۰	%۱۰۰

## ۶. نتایج و بحث

جدول‌های شماره پانزده و شانزده نتایج زیر را نشان می‌دهند:

در زبان فارسی ۱۷/۶ درصد از آغازگرها نشان‌دار و ۸۲/۴ درصد بی‌نشان هستند؛ در حالی که در زبان انگلیسی ۱۰/۸ درصد از آغازگرها نشان‌دار و ۸۹/۲ درصد بی‌نشان هستند. در هریک از دو زبان فارسی و انگلیسی میزان کاربرد آغازگر بی‌نشان بیشتر از نشان‌دار است. بنابراین، فارسی و انگلیسی در این باره به‌طور مشابه عمل کرده‌اند. درصد وقوع آغازگرهای نشان‌دار در فارسی (۱۷/۶ درصد) بیش از انگلیسی (۱۰/۸ درصد) است. همچنین، ۱۶/۴ درصد از آغازگرها در کتاب پزشکی فارسی (*آناتومی استخوان و مفاصل*) نشان‌دار هستند؛ در حالی که فقط ۷/۶ درصد در کتاب پزشکی انگلیسی (*Gray's Anatomy For Students*) نشان‌دار هستند. ۱۸/۸ درصد از آغازگرها در مقاله‌های پزشکی فارسی و ۱۴ درصد در مقاله‌های پزشکی انگلیسی نشان‌دارند. در هریک از دو زبان فارسی و انگلیسی، آغازگر نشان‌دار در مقاله‌ها بیشتر از کتاب دیده می‌شود. این مورد هم وجه شباهت دیگری را در این دو زبان نشان می‌دهد.

وقتی به نتایج تحلیل داده‌ها توجه می‌کنیم، متوجه می‌شویم کاربرد آغازگرهای نشان‌دار در فارسی بیش از انگلیسی است. این اختلاف به تفاوت‌های زبانی مربوط می‌شود که در ادامه به آن می‌پردازیم. از یک‌سو زبان فارسی زبانی ضمیرانداز است. این ویژگی در فارسی معمول است و به‌ویژه در فرم‌گفتاری دیده می‌شود و به آن معناست که امکان حذف نهاد/ فاعل یا ضمیر فاعلی به دلیل شناسه‌های فعلی وجود دارد. اما چنین حذفی برخلاف نتیجه پژوهش کاووسی (۱۳۸۱) باعث تولید بند نشان‌دار یا آغازگر نشان‌دار در فارسی نمی‌شود.

این ویژگی در زبان انگلیسی دیده نمی‌شود و دو زبان در این باره متفاوت عمل می‌کنند. از سوی دیگر، زبان انگلیسی آرایش واژگانی به نسبت ثابت<sup>۳۰</sup> دارد. فاعل، فعل و مفعول در آن به نسبت ثابت است و عناصر و سازه‌های بندهای آن اغلب امکان جابه‌جایی ندارند و هرگونه جابه‌جایی با محدودیت روبه‌روست. اما فارسی برخلاف انگلیسی زبانی است که دارای آرایش سازه‌ای به نسبت آزاد است و سازه‌ها و عناصر در بندهای فارسی می‌توانند تا حدودی جابه‌جا شوند. امکان جابه‌جایی سازه‌ها گویشوران را قادر می‌سازد که این آرایش واژگانی را براساس اهداف ارتباطی خود انتخاب کنند. چنین جابه‌جایی‌ها رایجی ضرورتاً آغازگر نشان‌دار به وجود نمی‌آورد. در فارسی ترتیب واژگانی SOV و در انگلیسی SVO است. از نظر جایگاه فاعل، این دو زبان یکسان‌اند و هر دو آغازگر بی‌نشان را در این جایگاه به وجود می‌آورند. اما سازه‌هایی مانند PP (گروه حرف اضافه‌ای) و Adv P (گروه قیدی) با نقش افزوده که در فارسی پیش‌شایند می‌شوند، در مقوله نشان‌داری نسبت به سازه‌های مشابه انگلیسی متفاوت عمل می‌کنند. وقتی براساس نظریه نظام‌مند داده‌ها را تحلیل می‌کنیم، می‌بینیم که بندهای نشان‌دار در فارسی بیش از انگلیسی است. اما واقعیت آن است که بخش اعظم این بندها در جایگاه فاعل دارای افزوده هستند. وجود این عناصر در جایگاه فاعل معمول و مرسوم است و از نظر اهل زبان، بی‌نشان به نظر می‌آیند؛ به گونه‌ای که شمّ زبانی گویشوران به راحتی این موضوع را تأیید کرده و آن‌ها را بی‌نشان پنداشته است. در ادامه، نمونه‌ها و شواهدی از متون پزشکی آمده است:

جدول ۱۷ آغازگر در نقش عنصر حاشیه‌ای و بند دارای فاعل طولانی

در ایجاد نفروپاتی دیابتی	حساسیت ژنتیکی، سن، پرفشاری خون، کنترل ناکافی قند، نژاد، چاقی و کشیدن سیگار نقش دارد.
در بیماران هردو گروه	آزمایش‌های BUN, CBC, کرتینین (Cr)، k کرم، اسیداوریک سرم، ALT، AST، FBS. آنالیز ادراری (U/ A) و حجم، پروتئین و Cr ادرار ۲۴ ساعته انجام شد.
در بیماران هردو گروه	داروهای ضد فشار خون و داروهای مهارکننده ACE و مهارکننده گیرنده انژیوتاسین (ARB) طبق روال و با همان دوز انجام شد.
آغازگر	پایان‌بخش



## جدول ۱۸ آغازگر در نقش عنصر حاشیه‌ای طولانی‌شده با بند موصولی

در مطالعه‌ای [که در تایوان بر روی بیماران با دیابت تیپ ۲ انجام شد]	سطح اسید اوریک سرم ارتباط مستقیم با میزان دفع آلبومین ادرار داشت.
آغازگر	پایان‌بخش

## جدول ۱۹ آغازگر در نقش عنصر حاشیه‌ای و وجود پیوستگی نحوی-معنایی بین فاعل و سازه‌های آن

در مطالعه آناتومی	بدن به سه بخش سر و گردن، تنه و اندام‌ها تقسیم می‌شود.
آغازگر	پایان‌بخش

با تأمل در این مثال‌ها می‌توان به این نکته پی برد که در فارسی زمانی که فاعل طولانی شود، جای خود را به عنصر حاشیه‌ای در بند می‌دهد و در این حالت بی‌نشان‌تر است؛ زیرا اگر فاعل در ابتدا ظاهر شود، خاص‌تر و به‌عبارتی نشان‌دارتر به‌نظر می‌آید؛ زیرا شنونده/ خواننده تمایل ندارد منتظر بماند (# نشان‌دهندهٔ مرز بین آغازگر و پایان‌بخش):

۱. در بیماران هردو گروه # آزمایش‌های ALT، FBS، AST، آنالیز ادراری (U/A) و حجم، پروتئین و Cr ادرار ۲۴ ساعته انجام شد.

همین بند خبری با انطباق فاعل و آغازگر بازنویسی شده است:

- آزمایش‌های ALT، FBS، AST، آنالیز ادراری (U/A) و حجم، پروتئین و Cr ادرار ۲۴ ساعته # در بیماران هر دو گروه انجام شد.

روشن است که این بند برای گویشوران زبان فارسی ثقیل است و نامعمول و نشان‌دار به‌نظر می‌آید.

۲. در مطالعه آناتومی # بدن به سه بخش سر و گردن، تنه و اندام‌ها تقسیم می‌شود.

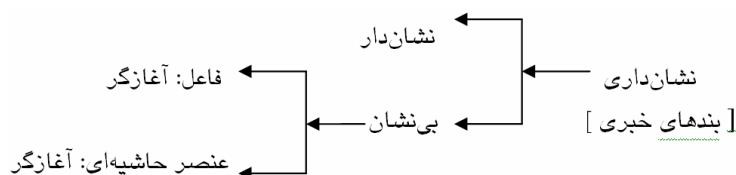
- بدن # در مطالعه آناتومی به سه بخش سر و گردن، تنه و اندام‌ها تقسیم می‌شود.  
چنین بندهایی (مانند بندهای موجود در جدول‌های بالا) دارای یکی از ویژگی‌ها و یا شرایط زیرند:

۱. فاعل آن‌ها اغلب طولانی است.

۲. عنصر حاشیه‌ای در جایگاه آغازگر با عبارت توصیفی (بند موصولی) طولانی شده است.

۳. بین فاعل و سازه مرتب با آن پیوستگی نحوی/ معنایی وجود دارد.

بسیاری از آغازگرهای محاسبه‌شده به‌عنوان آغازگر نشان‌دار- که عنصر حاشیه‌ای هستند- این وضعیت را دارند. بنابراین هرچند ملاک تشخیص نشان‌داری براساس نظریه هلیدی، ترتیب و آرایش سازه‌هاست، در زبان فارسی جابه‌جایی سازه‌ها یا تغییر آرایش سازه‌ها لزوماً به‌معنای نشان‌داری بند نیست. از نظر اهل زبان، بندهایی که در آنها افزوده پیش‌آیند شده است (گروه‌های قیدی و حرف اضافه‌ای)، چندان نشان‌دار به‌نظر نمی‌رسند و یا درجه نشان‌داری نسبی کمتری دارند؛ زیرا نشان‌داری مقوله‌ای مطلق نیست و برای آن طیف قائلیم. بررسی داده‌های فارسی براساس وجه بند- آن‌گونه که دستور نظام‌مند معرفی می‌کند- گویای واقعیت زبانی زبان فارسی نیست. در متون پزشکی فارسی تعداد زیادی از بندهای تحلیل‌شده این شرایط را داشتند. حال می‌توان گفت آغازگر بی‌نشان در بندهای خبری فارسی فقط به وجود فاعل در جایگاه فاعلی محدود نمی‌شود. براساس این، می‌توان دسته‌بندی زیر را برای آغازگرهای بی‌نشان در متون علمی فارسی نشان داد:



شکل ۱ آغازگر بی‌نشان با توجه به وجه (خبری) در متون علمی (پزشکی) فارسی

این درحالی است که مطابق رویکرد نظام‌مند، آغازگر بی‌نشان در بندهای خبری انگلیسی به وجود فاعل در جایگاه آغازگر محدود است. بنابراین، بهتر است این‌گونه بندها و آغازگر آن‌ها را در پژوهش‌ها دارای درجه نشان‌داری کمتر و یا بی‌نشان تلقی و محاسبه کنیم. همان‌طور که مشخص است نشان‌داری آغازگر، زبان- ویژه است و در زبان فارسی (به‌ویژه در بندهای خبری) آن‌گونه که انگلیسی با نظریه هلیدی انطباق دارد، مطابقتی دیده نمی‌شود. به سخن دیگر، زبان فارسی در این‌باره کاملاً از نظریه پیروی نمی‌کند. در عین حال، تحلیل داده‌ها در بخش کتاب و مقاله‌های پزشکی دو زبان مورد مطالعه عوامل دیگری را نشان می‌دهد که بر نشان‌داری آغازگر مؤثرند. در زیر به این موارد اشاره می‌شود:

۱. سبک متن (قلم خاص نویسنده): انتخاب الگوهای آغازگر با سبک متن مرتبط است. این

- بدان معناست که سبک‌های نوشتاری بر متن تأثیر می‌گذارند. در این مقاله، نتایج برگرفته از کتاب‌های آناتومی فارسی و انگلیسی متفاوت بود و این امر نشان می‌دهد هر نویسنده سبک خاص خود را در نوشتن دارد. اما مقاله‌ها ساختار به نسبت یکسان و ساده‌تری دارند.
۲. فرم نوشتار (کتاب، مقاله و غیره): در این پژوهش، در کتاب‌ها- نسبت به مقاله‌ها- آغازگر نشان‌دار کمتری دیده شد و این امر گویای آن است که فرم‌های نوشتاری بر مقوله نشان‌داری مؤثرند.
۳. ارتباط بین بند و متن: هر بند به‌عنوان واحدی از متن تحت تأثیر کل متن قرار می‌گیرد.
۴. تأکید: اگر به بندهای تحلیل‌شده توجه کنیم، می‌بینیم که بعضی از عناصر زبانی به‌دلیل تأکید بر یک ویژگی خاص جابه‌جا شده‌اند. برای مثال، در کتاب *آناتومی استخوان و مفاصل* برای توصیف یا تعریف عضوی از بدن، جایگاه آن در کانون توجه قرار می‌گیرد؛ بنابراین در ابتدا ذکر می‌شود. مثال جدول شماره شش «در بالای قسمت قدامی تروکله آ» این مورد را نشان می‌دهد.
۵. تقابل: عامل دیگر تقابل است. در این مقاله، سازه‌هایی مانند *for some patients* در زبان انگلیسی در تقابل با *for all Patients* به‌کار رفته‌اند (جدول ۷). همان‌طور که لاک (1996) معتقد است، برای بیان تقابل یا تضاد در بند از مبتداسازی استفاده می‌شود.
۶. ژانر متن (هنری، پزشکی و غیره): با توجه به اینکه در مقاله حاضر ژانر پزشکی مورد مطالعه قرار گرفته و در پژوهش‌های قبلی ژانرهای دیگری (ادبی، آموزشی و غیره) بررسی شده و نتایج متغیر بوده است، نوع ژانر را می‌توان عامل مؤثری دانست.

## ۷. نتیجه‌گیری

این پژوهش مقوله نشان‌داری را براساس دستور نظام‌مند در زبان فارسی و انگلیسی بررسی کرده است. با توجه به اینکه مسئله پژوهش، تحلیل چگونگی کاربرد آغازگر و به‌ویژه نشان‌داری آن در متون علمی پزشکی و تأثیر این موضوع بر ترجمه، آموزش زبان و درک‌پذیری متن بود؛ با استناد به یافته‌های پژوهش می‌توان مدعی شد که این مقاله از چگونگی کاربرد آغازگر و نشان‌داری آن تحلیل روشنی به‌دست می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد آرایش واژگانی ثابت و ضمیراندازی دو ویژگی‌ای هستند که در مقوله نشان‌داری، فارسی را از انگلیسی متمایز می‌کنند. به این ترتیب، فرضیه اصلی پژوهش درباره این دو ویژگی تأیید می‌شود. در متون پزشکی فارسی افزوده‌های حاشیه‌ای با بسامد وقوع بالا در جایگاه آغازگر واقع می‌شوند و به‌ظاهر بندهای زبان فارسی در متون پزشکی از آرایش سازه‌ای متفاوتی در

مقایسه با زبان انگلیسی برخوردارند. بندهایی که دارای چنین افزوده‌هایی هستند، معمولاً یکی از این شرایط را دارند: ۱. فاعل آن‌ها بسیار طولانی است. ۲. عنصر حاشیه‌ای با بندی موصولی در جایگاه آغازگر، طولانی شده است. ۳. بین فاعل و سازه‌های مرتبط آن پیوستگی نحوی/معنایی دیده می‌شود.

نشان‌داری آغازگر مقوله‌ای نسبی است و نه مطلق و تحت تأثیر تفاوت‌های زبانی است؛ تا آنجا که می‌توان آن را زبان-ویژه دانست. اکنون می‌توان گفت زبان فارسی در این مقوله کاملاً از نظریه نقشگرای هلیدی پیروی نمی‌کند. علاوه بر آن، نشان‌داری آغازگر در فارسی و انگلیسی به عوامل دیگری مانند سبک متن (قلم خاص نویسنده)، فرم نوشتار (کتاب، مقاله و غیره)، ارتباط بین بند و متن، تأکید، تقابل و ژانر متن بستگی دارد. از آنجایی که عوامل یادشده در فارسی و انگلیسی بر نشان‌داری آغازگر مؤثرند، می‌توان آن‌ها را وجوه اشتراک این دو زبان در این حوزه دانست. اما تفاوت‌های زبانی (ساختار فارسی و انگلیسی) به وجوه افتراق در نشان‌داری اشاره دارد. تفاوت‌های موجود در کاربرد نشان‌داری آغازگر در دو زبان فارسی و انگلیسی با نوع نگرش فرهنگی، تفکر و جهان‌بینی سخن‌گویان این دو زبان هم‌بستگی خاصی دارد. گویشوران فارسی و انگلیسی دارای جهان‌بینی خاص خود هستند. آن‌ها دارای دو فرهنگ زبانی متفاوت و دو دیدگاه متفاوت به جهان هستند و نوع نگرش فرهنگی آن‌ها بر ویژگی‌های ساختاری زبان‌شان اثرگذار است.

## ۸. پی‌نوشت‌ها

1. markedness
2. theme
3. systemic functional grammar
4. R. Hassan
5. P. H. Fries
6. M. Ghadessy
7. M. Bloor
8. T. Bloor
9. theme-rheme system
10. information structure
11. G. Lock
12. M. Martinez Lirora
13. reversed pseudo-cleft
14. L. Wang
15. pro drop
16. M. Gomez

17. descriptive-analytic
18. Halliday & Mathiessn
19. clause
20. T. Givon
21. S. Dik
22. S. Kuno
23. P. Hopper
24. approach
25. Textual metafunction
26. rheme
27. unmarked theme
28. marked theme
29. finite verbal operator
30. fixed word order

## ۹. منابع

- افتخاری، روزبه (۱۳۸۶). *استعاره در زبان فارسی از منظر نظریه نقش‌گرایی نظام‌مند هلییدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- بهادری، زهرا، مهرداد بهمنش، محمدعلی صحراییان و مونس حیدری (۱۳۸۹). «بررسی ارتباط پلی‌مورفیس‌های rs13241278 و rs2693657 از ژن PTPRZ1 با بیماری مالتیپل اسکلروزیس در جمعیت ایران». *فصلنامه پزشکی یاخته*. س ۱۲. ش ۳. صص ۳۴۲-۳۴۷.
- تبریزمنش، معصومه (۱۳۸۵). *بررسی مجموعه فارسی بیاموزیم (آموزش زبان فارسی) از منظر فرانش تجربی براساس چارچوب نظری دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلییدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۳). *توصیف و تحلیل ساختمان بند در زبان فارسی برپایه نظریه نقش‌گرایی نظام‌مند هلییدی*. رساله دکتری. دانشگاه فردوسی مشهد.
- خان‌جان، علیرضا (۱۳۷۹). «دستور نقش‌گرایی هلییدی و مفهوم نشان‌داری در ساخت متنی زبان» در *مجموعه مقاله‌های پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی*. تهران: نشر آویج. صص ۲۶۴-۲۸۳.
- دستجردی کاظمی، مهدی (۱۳۸۸). *توصیف گفتار دانش‌آموزان پایه اول دبستان*

- بر اساس نظریهٔ نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی. رسالهٔ دکتری. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
- ذاکری، زهرا. بهزاد نارویی، عبدالصمد شیخ‌زاده، افشین نجاتی افخم و محمد قاسمی‌راد (۱۳۸۹). «مقایسهٔ سطح پرولاکتین سرم در بیماران مبتلا به لوپوس با افراد سالم». *فصلنامهٔ علمی-پژوهشی بهبود*. س ۱۴. ش ۲. صص ۱۲۵-۱۳۱.
  - ذوقدارمقدم، رضا (۱۳۸۱). *نقش‌نماهای گفتمان و کارکرد آن‌ها در زبان فارسی معاصر*. رسالهٔ دکتری. دانشگاه اصفهان.
  - راعی دهقی. اکبر (۱۳۸۰). *انواع ابزارهای انسجام درون‌متنی در درون کتاب‌های فارسی پایهٔ اول، دوم، سوم ابتدایی و بسامد آن‌ها*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
  - رشدی بنام، مهرداد، معصومه صادقی، حمید صناعی، رضاف مشایخی، شهرام طاهری، امیر عطاپور نضال صراف‌زادگان، آرش رضانی، محمدرضا اخباری، ایرج جعفری‌پور، فریبا ملکی و رضا مددی (۱۳۸۹). «بررسی اندازه. تعداد و واسطه‌های شیمیایی سرمی سلول‌های چربی در بیماران ایسکمیک قلبی». *مجلهٔ دانشکدهٔ پزشکی اصفهان*. س ۲۸. ش ۱۰۷. صص ۲۲۵-۲۳۰.
  - رضاخانی، فرشته (۱۳۸۵). *بررسی مجموعه فارسی بیاموزیم (آموزش زبان فارسی) از منظر فراتقش بینافرادی بر اساس چارچوب نظری دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
  - شاه‌رخ شهرکی، مریم (۱۳۸۵). *بررسی شعر کودک از منظر زبان‌شناسی نقش‌گرایی هلیدی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
  - شریف‌زاده، محی‌الدین (۱۳۸۴). *بررسی کتاب‌های آموزشی New interchange 3 و زبان انگلیسی دو تا پیش دانشگاهی بر اساس دستور نقش‌گرایی هلیدی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
  - شهیدی، نوشین (۱۳۷۸). *مبتداسازی در فارسی با نگاهی نقش‌گرا*. پایان‌نامهٔ کارشناسی

- ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- صافی، احمد (۱۳۷۹). *بررسی نقش بینافرادی در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز. شیراز.
  - علایی، مریم (۱۳۸۸). *بررسی کتاب‌های علوم انسانی (سازمان سمت) در چارچوب دستور نظام‌مند نقشگرایی هلیدی از منظر فراتنقش متنی و بینافرادی*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
  - غفاری‌مهر، مهرخ (۱۳۸۳). *بررسی دو مجموعه از کتاب‌های آموزش زبان فارسی از دیدگاه نظریه نقشگرایی هلیدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
  - غیاثیان، مریم‌السادات (۱۳۷۹). *طبقه‌بندی نحوی-معنایی افعال زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
  - فهیم‌نیا، فرزین (۱۳۸۷). *توصیف و تحلیل نقش‌گرایانه آغازگر از منظر رویکرد هلیدی در کتاب‌های فارسی و انشاهای دانش‌آموزان دبستان*. رساله دکتری. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
  - کاوسی‌نژاد، سهیلا (۱۳۸۱). *ساخت مبتدا- خبری در فارسی و اهمیت آن در انسجام متن: نگرشی نقشگرا*. رساله دکتری. دانشگاه تهران. تهران.
  - موزن، مریم (۱۳۷۶). *نقد شعر معاصر از دیدگاه زبان‌شناسی*. رساله دکتری. دانشگاه تهران. تهران.
  - مؤمنی، علی، شهرزاد شهیدی، شیوا صیرفیان، شهرام طاهری و سلیمان خیری (۱۳۸۹). «بررسی اثر آلوپورینول در کاهش پروتئینوری در بیماران مبتلا به نفروپاتی دیابتی». *مجله دانشکده پزشکی اصفهان*. س ۲۸. ش ۱۰۷. صص ۲۷۱-۲۷۷.
  - میراحمدی، فرزاد (۱۳۸۳). *بررسی نظام وجه براساس چارچوب نقشگرایی نظام‌مند هلیدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
  - نگهدار، فرخ و سولماز مجیدزاده (۱۳۸۷). *آناتومی استخوان و مفاصل با اصطلاحات آناتومی*. تهران: نور دانش.



- هادی، محمد (۱۳۸۴). جایگاه زبان‌شناسی نقش‌گرایی نظام‌مند مایکل هلییدی در تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- Bloor, T. & M. Bloor (1995). *The Functional Analysis of English: A Hallidayan Approach*. London: Arnold.
- Dik, S. (1978). *Functional Grammar*. Amsterdam: North- Holland.
- Dik, S. (1980). *Studies in Functional Grammar*. New York: Academic Press.
- Eivazi Ziaei, J., A. Fakhrgoo & R. Estakhri (2011). "Gingival Metastasis of Renal Cell Carcinoma". *Iranian Journal of Cancer Prevention*. Vol. 4. No. 1. Pp. 44-46.
- Fries, P. H. (1981). *On the Status of Theme in English: Arguments from Discourse*. Form Texts. Hamburg: Helmut Buske Verlage.
- Fries, P. H. (1995b). "Themes, Methods of Development, and Texts" in Rughayyah Hassan & Fries (Eds.). *On Subject and Theme: A Discourse Functional Perspective*. Amsterdam: John Benjamin. Pp. 317-359
- Ghadessy, M. (1995). *Thematic Development in English Text*. London: Printer.
- Givon, T. (1979). *On Understanding Grammar*, New York: Academic Press.
- Givon, T. (1984). *Syntax: A Functional-Typological Introduction*. Vol. I. Amsterdam: John Benjamins.
- Givon, T. (1990). *Syntax: A Functional-Typological Introduction*. Vol. II. Amsterdam: John Benjamins.
- Givon, T. (1995). *Functionalism and Grammar*. Amsterdam: John Benjamins.
- Gomez, M. (1994). "The relevance of theme in the textual organization of BBC News Reports". *WORLD*. 45(3). Pp. 293-305.
- Hassan, R. (1989). *Linguistics, Language and Verbal Art*. Landon: Oxford University Press.
- Halliday, M. A. K. & C. M. I. M. Matthiessen (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. 3rd Ed. London: Arnold publication.
- Hopper, P. (1987). "Emergent Grammar". *BLS*. 13. Pp. 139-157.



- \_\_\_\_\_ (1988). "Emergent Grammar and the *A priori* Grammar Postulate" in D. Tannen (Ed.). *Linguistics in Context*. Norwood, New Jersey: Ablex.
- \_\_\_\_\_ (1991). "Functional Explanation in linguistics and the Origins of Language". *Language and Communication*. 11. Pp.45-47.
- Kargarfard, M., R. Ruzbehani & F. Basati (2010). "Effect of Exercise Rehabilitation on Blood Pressure of Patients after Myo cardiac Infarction". *International Journal of Preventive Medicine*. Vol. 1. No. 2. Pp.124-129.
- kuno, S. (1987). *Functional Syntax: Anaphora, Discourse and Empathy*. Chicago: Chicago University Press.
- Lock, G. (1996). *Functional English Grammar: An Introduction to Second Language Teachers*. Jack C. Richards (Ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Martinez Lirola, M. (2007a). *A systemic Functional Approximation to the Use of Cleft Sentences and Reversed pseudo-cleft Sentences in English in a Narrative Sample Written by the South African Writer Alan Paton*. Working Papers. Departamento de Filología Inglesa. Alicante: Editorial Club Universitario.
- Mohammadi, A. (1995). "The Role of Thematic Structure in Comprehending Spoken Language". Unpublished M. A. Thesis. Allameh Tabatabaei University. Tehran. Iran.
- Pourhoseingholi, M. A., A. Pourhoseingholi, M. Vahedi, B. Moghimi Dehkordi, A. Safae, S. Ashtari & M. R. Zali (2011). "Alternative for the Cox Regression Model: Using Parametric Models to Analys the Survival of Cancer Patients". *Iranian Journal of Cancer Pervation*. Vol. 4. No. 1. Pp. 1-4.
- Richard, D., V. Wayne & A. Mitchell (2010). *Gray's Anatomy for Students*. Livingstone Elsevier Churchill Publication.
- Wang, Lixia (2007) ."Theme and rheme in the thematic organization of text": Implication for Teaching Academic Writing. *Asian EFL Journal*. Vol. 9 (9). Pp. 88-101.